

روز سیاه



دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۰
شعری از محمود علی آبادی

امروز
عدالت را بزیر چرخ ماشینها کشیدند
و آزادی
گلولة ای شد
که بر سینه نشانند

امروز تاریخ شد
برگی از سیاه ترینهایش
درسی برای آیندگان
سندی برای ارائه
وعبرتی
برای دیگران

امروز
گله های لاشخوری دیدم
مست و اربدکشان
به قتل و غارت مردم
و
سپاه سیاهی
که بر پشتی از اجساد
عکس یادگاری می گرفتند

امروز
مردم خسته ای را دیدم
که برای آزاد شدن
از کسی اجازه نخواستند
و
چشمهایی که دیگر بسته نشدند
و
گلوهای که شعر فریاد سر دادند

امروز
مردمی را دیدم

که همه ما شدند
و دیگر
کسی تنها نبود
و
هیچکس نترسید